

با سلام

بی او نتوان رفتن، بی او نتوان گفتن
بی او نتوان شستن، بی او نتوان خفتن
- (مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۸۸۳)

مولانا در این بیت به ما می‌گوید که بدون او نمی‌توان کاری کرد، بی او نمی‌شود هیچ عملی انجام داد و بی او نمی‌شود فکر درستی کرد و بی او لحظه‌ای نمی‌توان آسوده بود و آرامش داشت. با این بیت ما متوجه علت تمام دردها و رنج‌ها و ناخوشی‌های خود می‌شویم. این طرز زندگی است که ما با آمدن به این جهان و همانند شدن با چیزها و اشکال و گذاشتن آن‌ها در مرکزمان و غافل شدن از او پیشه کردیم. بی او فکر کردیم و عمل کردیم و خود را در چاه و گودال انداختیم، بادام پوک کاشتیم و آب در هاون کوبیدیم، مسئله ایجاد کردیم و زندگی را به مانع و دشمن تبدیل کردیم و برای خودمان و دیگران درد و رنج آفریدیم. نتیجه بی او زندگی کردن، دور شدن از لحظه حال و حس خبط و پشیمانی و خشم و کینه و انتقام‌جویی برای رویدادهای گذشته و ترس و نگرانی و اضطراب برای رویدادهای آینده است. و بارزترین نمود بی او بودن را در رابطه بین یک زن و مرد می‌توان دید که زندگی را به‌ظاهر با عشق آغاز می‌کنند، ولی در کوتاه‌ترین زمان، این رابطه به درد و جدایی ختم می‌شود. پس بی او نتوان ازدواج کردن، بی او نتوان خوشبخت شدن، بی او نتوان یک روز خوش دیدن، بی او نتوان بچه بزرگ کردن، بی او نتوان در هیچ کاری موفق شدن.

هر کدام از ما اگر در مقطعی از زندگی قرار داریم که رنج هست، باید بدانیم که این نتیجه زندگی کردن بی او است. حتی اگر در این لحظه در زیر آواری از مشکلات هستیم، باید آن را بپذیریم و قبول کنیم که این امتداد و انعکاس ارتعاشات وجودی خود ما است، نتیجه فکرها و واکنش‌ها و عمل کردن‌ها یا من‌ذهنی است. بنابراین باید دست از شکوه و شکایت و جنگیدن با آن چیزی که هست برداریم، چون با جنگیدن و نپذیرفتن، قادر نیستیم چیزی را عوض کنیم، بلکه برعکس رنج بیشتری می‌آفرینیم و فشار بیشتری به خودمان و دیگران وارد می‌کنیم.

هر چه ما زودتر هر مشکل و سختی و مسئله ای را در زندگی‌مان بپذیریم، پذیرش باعث می‌شود که با واقعیت کنونی زندگی خود به صلح برسیم. تسلیم و پذیرش فضا را در درون ما باز می‌کند و از این فضای گشوده‌شده، خرد او، هدایت او و حس امنیت و قدرت او وارد وجودمان می‌شود و احتمال بروز گشایش در آینده افزایش پیدا می‌کند.

ای حلقه‌زن این در، در باز نتان کردن
زیرا که تو هشیاری، هر لحظه کشتی گردن
- (مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۸۸۳)

ای انسانی که هر لحظه حلقه در خدا را می‌زنی، با ناله و شکایت و دعا و مظلوم‌نمایی در خدا به روی تو باز نمی‌شود، برای این‌که تو هشیاری جسمی داری، تو من‌ذهنی داری، پندار کمال داری، ناموس بدلی داری، هر لحظه گردن‌کشی می‌کنی، نافرمانی می‌کنی و می‌خواهی با عقل جزوی خودت کارها را درست کنی، بنابراین در به رویت باز نمی‌شود. هر مقاومت، هر قضاوت و هر بلند شدن با من‌ذهنی، نشان از گردن‌کشی و بی‌نیازی نسبت به زندگی است، نتیجه این بی‌نیازی باب صغیر و جهنم من‌ذهنی است. هر دردی و هر رنجی که در زندگی تجربه می‌کنیم، فقط یک پیغام دارد و به این معنا است که ما نیازمند زندگی هستیم.

گردن ز طمع خیزد، زر خواهد و خون ریزد
او عاشق گل خوردن، همچون زن آبستن
- (مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۸۸۳)

گردن‌کشی و نافرمانی من‌ذهنی از حرص و طمع او که از اتفاقات و وضعیت‌ها زندگی می‌خواهد برمی‌خیزد. هر چیزی که سبب جذب تأیید و توجه دیگران شود، برای من‌ذهنی زر محسوب می‌شود و حاضر است برای آن خون زندگی را بریزد و زندگی را تلف کند. او عاشق گل خوردن است، عاشق زندگی گرفتن از چیزهای بیهوده. من‌ذهنی خود را به رنج و عذاب می‌اندازد، زندگی‌اش را از تعادل خارج می‌کند، فقط برای این‌که دیگران او را تأیید کنند. دیده شدن و برتر در آمدن به هر قیمتی شده، حتی به قیمت ضرر زدن به خود و ریختن خون عده بی‌شماری، برای من‌ذهنی زر محسوب می‌شود. و وای به زمانی که من‌ذهنی در قدرت باشد که در این‌صورت برای دیده شدن و حفظ ناموس بدلی جنگ به راه می‌اندازد و دو ملت را به خون می‌کشد، فقط برای این‌که بگوید من مهتر هستم، همه باید

به من گوش دهند، همه باید از من پیروی کنند.

گل خوردن یعنی مسئله ساختن و به خود خوراندن، یعنی کارافزایی، یعنی دشمن فرضی ساختن و اشتباهات خود را به گردن دیگران انداختن و این ریختن خون زندگی است، یعنی زندگی را تلف کردن و پرشور زندگی نکردن. مولانا می‌گوید کو عاشق شیرین صورتی که زر همانیدگی و جان من‌ذهنی را بدهد و با فضاگشایی روزنی در ذهن ایجاد کند و از این گنبد بی‌روزن یعنی ذهن بیرون بجهد؟ کو انسانی که عمیقاً درک کند من‌ذهنی توهمی بیش نیست، گذشته و آینده تصویری ذهنی است و زندگی این لحظه است؟ و مانند مرغی از روی همه همانیدگی‌ها بپرد.

کو عاشق شیرین خَد، زر بدهد و خون ریزد
چون مرغ دل او پرد، زین گنبد بی‌روزن
- (مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۸۸۳)

با تشکر

پروین از استان مرکزی 🌹🙏